

کاردهای سنت در تفسیر آیات قرآن

اسماعیل نساجی زواره

دبیر دبیرستان‌های منطقه زواره، استان اصفهان

اشاره

بلاغت عالی و آگاهی از معانی واژگان و قراین مربوط به آیات، در بسیاری موارد از فهم مقصود حقیقی آیات قرآن ناتوان می‌شدند و از حضرت محمد(ص) کمک می‌خواستند و پیامبر(ص) هم آیات را برای آنان تفسیر می‌کرد. هم‌چنین، حضرت علی(ع) در این زمینه می‌فرماید: این قرآن خطی است که میان دو جلد پنهان است. زبان ندارد تا سخن بگوید و نیازمند کسی است که آن را تبیین و تفسیر کند...» [نهج‌البلاغه، خطبه ۱۲۵: ۲۳۶]. منظور حضرت علی(ع) از مفسر قرآن، همان امام معصوم(ع) است که در هر عصری جامعه به وجود او نیازمند است تا مراتب عمیق این کتاب را برای مردم بیان کند. بنابراین، برای رسیدن به بطن آیات قرآن و فهم صحیح آن‌ها، باید به ساحت قدسی پیامبر عظیم‌الشأن(ص) و جانشینان معصومش(ع) دست نیاز دراز کنیم و از آن حضرات یاری بجوییم. زیرا ایشان به تمام حقایق قرآن آگاه هستند و می‌توانند معانی واقعی آیات را تفسیر و تأویل کنند. شایان ذکر است، اگر از ما بپرسند چرا برای فهم آیات

قرآن کریم کتابی است آسمانی و جهان شمول که خداوند عالی و حکیم به منظور هدایت تمام انسان‌ها، بر پیامبر هادی و امین(ص) نازل کرده است. هر چند این کتاب در آیات خود، خطوط کلی معارف دین را روشن کرده و بسیاری از احکام و دستورات آن با رعایت قواعد زبان عربی و اصول عقلانی قابل فهم است، اما به دلیل گستردگی معارفش، در تبیین مراتب عمیق و تفهیم معانی وزین آن، مفسری آگاه و مبینی مصون از خطا نیاز است. این وظیفهٔ خطیر، طبق رهنمود کلام وحی: «... و انزلنا الیک الذکر لتبیین للناس ما نزل الیهیم...» [نحل / ۴۴]، در دوران رسالت برعهدهٔ پیامبر(ص) و پس از آن، به استناد رهنمود گهربار رسول اکرم(ص): «انی تارک فیللم الثقلین کتاب الله و عترتی...» [مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲: ۲۲۶] برعهدهٔ امامان معصوم(ع) است؛ لذا طبق این حدیث متواتر، یکی از منابع تفسیر، مراجعه به احادیث و روایات پیشوایان معصوم(ع) است که همتای قرآن کریم‌اند. تاریخ نشان می‌دهد. مسلمانان صدر اسلام با وجود برخورداری از فصاحت و

منظور
از تفسیر به رأی این
است که کسی قرآن را به میل و
هوای خود و یا به صرف آشنایی با زبان
عربی، بدون استفاده از قراین متقن تفسیر
کند و یا نظر خود را بر قرآن تحمیل نماید

شرایط واجب شدن زکات و... به طور مفصل بیان نشده است؛ لذا تنها در پرتو روایات معتبر می توان احکام این دو فریضه را استخراج کرد. این دسته آیات که به استناد سنت معصومین (ع) تبیین می شوند، به احکام عبادی منحصر نیست، بلکه در آیاتی که احکامش غیر عبادی است، همین سیاق کاربرد دارد؛ مثلاً در آیه «والسارق و السارقه فاقطعوا ایدیهم!... دست مرد و زن دزد را به خاطر مجازات قطع کنید...» [مائده/ ۳۸]، هیچ سخنی در مورد شرایط قطع کردن، اندازه قطع کردن و این که چه کسی باید این کار را انجام دهد، به میان نیامده است. ولی با استمداد از روایات می توان شرایط و جزئیات این حکم را استنباط کرد.

نقل می شود که در زمان امامت حضرت جواد (ع)، شخصی مرتکب سرقت شد و مقرر گردید که مجازات شود. فقها معتقد بودند که دست دزد باید از مچ یا آرنج قطع شود، اما وقتی از امام جواد (ع) نظرخواهی کردند، فرمود: این ها در اشتباه هستند، زیرا فقط باید انگشتان دزد بریده شود و بقیه دست باقی بماند. معتمصم گفت: به چه علت؟ امام پاسخ داد: زیرا پیامبر (ص) فرموده است: سجده با هفت عضو بدن صورت می پذیرد: پیشانی، دو کف دست، دو سر زانو، سرانگشتان بزرگ پا. اگر دست دزد از مچ یا آرنج قطع شود، کف دستی برایش باقی نمی ماند تا سجده صحیح را به جای آورد؛ زیرا خداوند سبحان می فرماید: «ان المساجد لله فلا تدعوا مع الله احدا» [جن/ ۱۸]: سجده گاهها از آن خداست، پس هیچ کس را همراه خدا نخوانید و آن چه برای خداست، قطع نمی شود [حرعاملی، ۱۴۱۴ ق، ج ۱۸: ۴۹۰].

با اندک تأمل متوجه می شویم، اگر در این مورد روایتی موجود نبود، تعیین قسمتی از دست که باید قطع شود، با تدبیر در این آیه و آیات دیگر امکان پذیر نبود.

تبیین احکام مطلق به صورت مقید

آیاتی از قرآن هستند که احکام دین را به صورت عام و مطلق بیان کرده اند؛ در صورتی که مطلق بودن این آیات

قرآن به روایات عمل می کنید و سخنان معصومین (ع) را حجت می دانید، جواب می دهیم: چون پیامبر (ص) فرمودند «انی تارک فیکم الثقلین...» و اگر بپرسند چرا سخن پیامبر (ص) را حجت می دانید، می گوئیم: خداوند فرموده، هر چه را پیامبر (ص) می گوید، قبول کنید: «ما اتاکم الرسول فخذوه...» [حشر/ ۷]. این جا دیگر پرسش قطع می شود؛ زیرا قول خداوند حجت بالذات است و سؤال بردار نیست. پس اصل حجیت کلام معصوم (ع) به قرآن برمی گردد؛ یعنی حجت بودن قول معصوم به استناد قرآن است [جوادی آملی، ۱۳۷۸ ش، ج ۱: ۳۸۸-۳۸۷].

کوتاه سخن این که یکی از راهبردهای فهم معانی آیات و مقاصد الهی، استناد به احادیث و روایات منقول و معتبر از پیشوایان معصوم (ع) است که در آموزه های دینی به عنوان «سنت» قلمداد شده است. کارکردهای این فرایند، یکی از موضوعات بایسته تأمل و شایسته تدبر است که در ادامه این نوشتار بدان اشاره می شود.

کلیدواژه ها: کارکرد، سنت، تفسیر، آیات قرآن.

تفصیل آیات مجمل

اولین کارکرد تکمیلی سنت، تفصیل آیات مجمل است. بسیاری از آیات قرآن، احکام و دستورات را به صورت اجمالی و سر بسته بیان کرده است؛ به طوری که فهم این گونه آیات، با استناد به آیات دیگر و حتی تدبر در آن، امکان پذیر نیست؛ لذا شناخت معانی و مراتب عمیق و تفصیلی این آیات، فقط در پرتو استمداد از روایات پیشوایان معصوم (ع) تحقق می پذیرد. برای مثال، در آیات بسیاری، پیرامون «نماز» و «زکات» سخن به میان آمده و برای انجام این دو فریضه، فرمان داده شده است. نیز به جا نیاوردن نماز از ویژگی های اهل جهنم و ندادن زکات از صفات مشرکان قلمداد شده است. ولی در هیچ آیه ای از قرآن، جزئیات و احکام این دو مسئله هم چون تعداد رکعات نماز،



مقصود خداوند متعال نیست و استناد به روایات معتبر بیانگر وجه تمیید و تخصیص آن هاست؛ لذا برای فهمیدن مراد خداوند از نزول چنین آیاتی، باید به سنت معصومین (ع) مراجعه کرد و بدون مراجعه به احادیث و روایات، نه تنها مراد خداوند حاصل نمی‌شود، بلکه آن چه از آیه فهمیده می‌شود، خلاف واقعیت است. مثلاً مفاد آیه «... واتخذوا من مقام ابراهیم مصلی...» [بقره/ ۱۲۵] این است که جایگاه نماز خود را در کنار آن سنگ (مقام ابراهیم) انتخاب کنید و نزدیک آن نماز بخوانید. این مفاد مطلق است و تفاوتی نمی‌کند که جایگاه نماز پشت مقام باشد یا جلوی آن؛ سمت راست باشد یا سمت چپ. حال با استناد به سیره پیشوایان معصوم (ع) چنین استنباط می‌شود که نماز باید در پشت مقام ابراهیم (ع) خوانده شود و این مطلب را نه از خود این آیه می‌توان فهمید و نه از آیات دیگر قرآن. فقط از طریق روایات می‌توان به دست آورد.

بنابراین روایاتی که بیان‌کننده این خصوصیت و مقید اطلاق این آیه هستند، از قراین ناپیوسته آیه مزبور محسوب می‌شوند که مراد واقعی خداوند متعال را بیان می‌کنند [حرعاملی، ۱۴۱۴ق، ج ۹: ۴۸۴-۴۸۰].

نهی از تفسیر به رأی

از پیامبر اکرم (ص) و اهل بیت (ع) به‌طور صریح سخنانی به ما رسیده است که در آن‌ها تفسیر به رأی را نکوهش کرده‌اند. منظور از تفسیر به رأی این است که کسی قرآن را به میل و هوای خود و یا به صرف آشنایی با زبان عربی، بدون استفاده از قراین متقن تفسیر کند و یا نظر خود را بر قرآن تحمیل نماید. پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: «خداوند فرمود که هر کس سخن مرا به رأی خود تفسیر کند، به من ایمان نیاورده است.» [مجلسی، ۴۰۳ق، ج ۹۲: ۱۱۰]. و نیز امام صادق (ع) فرمود: «هر کس به رأی خود قرآن را تفسیر کند، هر چند درست باشد، برای او پاداشی نیست» [همان، ج ۲: ۲۹۷].

بنابراین می‌توان ادعا کرد که آن چه بیش از همه چیز در تفسیر قرآن مورد نهی اهل بیت (ع) قرار گرفته، تفسیر به رأی است که از بینش‌های انحرافی و پیروی از گرایش‌ها و هواهای

نفسانی نشأت می‌گیرد.

مرحوم علامه طباطبایی (ره) حقیقت تفسیر به رأی را این‌گونه بیان می‌کند: «اعتقادی که از روی اجتهاد و تلاش به‌دست می‌آید و یا از روی هوا و هوس برای انسان حاصل می‌شود، «رأی» نام دارد و تفسیر به رأی آن است که انسان بخواهد با همان قواعد و اصولی که کلام دیگران را بررسی می‌کند، آیات الهی را نیز بررسی کند» [طباطبایی، ۱۳۷۱ ش، ج ۳: ۷۶].

امام علی (ع) در یکی از پیش‌بینی‌های خود نسبت به آینده تأسفبار اسلام و مسلمین می‌فرماید: «همانا پس از من روزگاری بر شما فراخواهد رسید که چیزی پنهان‌تر از حق و آشکارتر از باطل و فراوان‌تر از دروغ به خدا و پیامبرش (ص) نباشد و نزد مردم آن زمان، کالایی زیانمندتر از قرآن نیست؛ اگر آن را درست تفسیر کنند، و متاعی پرسودتر از قرآن یافت نمی‌شود؛ آن‌گاه که آن را تفسیر به رأی کنند و معانی دل‌خواه خود را رواج دهند» [نهج‌البلاغه، خطبه ۱۴۷: ۲۷۱].

باز امام صادق (ع) در سیره قرآنی خود هلاکت مردم را در تفسیر به رأی نسبت به آیات متشابه می‌داند؛ زیرا آنان حقیقت چنین آیاتی را نمی‌فهمند. آن‌گاه با رأی خود و پیش‌داوری، تاویلاتی برای آیات متشابه قائل می‌شوند؛ به‌طوری که خود را از اوصیای الهی بی‌نیاز می‌بینند. چنین افرادی مورد ملامت و سرزنش هستند [مجلسی، ج ۹۳: ۱۲].

تأیید روش‌های متنوع تفسیر

یکی دیگر از کارکردهای سنت معصومین (ع)، تأیید گونه‌های مختلف تفسیر است؛ زیرا آن بزرگواران در سیره قرآنی خود نحوه استفاده از تمام منابع صحیح تفسیری و قراین متقن را به یاران خود آموزش می‌دادند. بنابراین، روش تفسیری مورد تأیید اهل بیت (ع)، همان روش جامع تفسیری است که در بردارنده گونه‌های مختلف تفسیر است و در ادامه این نوشتار به مهم‌ترین آن‌ها اشاره می‌کنیم:

الف) تفسیر قرآن به قرآن: این نوع تفسیر بهترین و کارآمدترین شیوه تفسیری قرآن کریم است که رسول اکرم (ص)

تفسیر

به رأی آن است که انسان بخواهد با همان قواعد و اصولی که کلام دیگران را بررسی می‌کند، آیات الهی را نیز بررسی کند

این دو حدیث و احادیث مشابه نشان می‌دهد که پیشوایان معصوم(ع) از روش تفسیر قرآن به قرآن استفاده می‌کردند و عملاً آن را به پیروان خود تعلیم می‌دادند.

ب) تفسیر قرآن با تاریخ: قرآن کریم در آیات متعدد نکته‌های پندآموزی از داستان پیامبران، طاغوت‌ها، ملت‌ها و وقایع صدر اسلام را به بهترین شیوه بیان می‌کند. بنابراین، اهل بیت(ع) در تفسیر برخی از آیات، از قصه‌ها و تاریخ استفاده کرده‌اند؛ چنان‌که امام جعفر صادق(ع) در جواب این سؤال که چرا در قرآن آیه «و فرعون ذی الاوتاد» [فجر/ ۱۰] آمده است و در این آیه فرعون صاحب میخ‌ها نامیده شده است، فرمود: به دلیل این‌که فرعون هنگام مجازات و شکنجه فرد، او را می‌خواباند و با چهارمیخی به زمین می‌کوبید تا بمیرد. [حویزی، ۱۴۱۵ق، ج ۵: ۵۷۱].

و باز آن حضرت(ع) در ذیل آیه شریفه «ام حسب ان اصحاب الکهف والرقیم کانوا من آیاتنا عجیباً» [کهف/ ۹]، فرمود: آنان جوانمردانی بودند که فرار کردند و به غاری پناهنده شدند و پادشاه آن زمان نام آنان و پدرانشان را روی لوحه‌ای نوشت. لذا «اصحاب کهف» و «رقیم» نام گرفتند [حویزی، ۱۴۱۵ق، ج ۳: ۳۲۲].

ج) تفسیر قرآن با کاربرد لوازم ادبی: منظور از ابزارهای ادبی، واژگان و متون ادبیات عرب است که مفسر را در فهم معنای لغوی واژه‌های قرآن یا ساختار نحوی و بلاغی آیات یاری می‌رساند. با مراجعه به بعضی از روایات، ائمه اطهار(ع) در تبیین و تفسیر آیات قرآن، به نکات ادبی استناد کرده‌اند؛ مثلاً امام رضا(ع) در معنای «... لا فارض و لا بکر...» [بقره/ ۶۸]، فرمودند: «لاصغیره و لاکبیره؛ نه کوچک و نه بزرگ» [حویزی، ج ۱: ۲۰۳].

و نیز زراره نقل می‌کند که به امام باقر(ع) عرض کردم: از کجا فهمیدید که در وضو، مسح بر قسمتی از سر و پا کفایت می‌کند؟ حضرت فرمودند: چون خداوند می‌فرماید: «... فاعسلوا وجوهکم و ایدیکم الی المرافق...» صورت و دست‌ها را تا آرنج بشویید...» [مائده/ ۶]، فهمیدیم که باید کل صورت و دست‌ها تا آرنج شسته شود. سپس آن حضرت کلام را تغییر داد و

وائمه اطهار(ع) آن را تأیید کرده‌اند. در این روش، هر آیه از قرآن کریم با تدبیر در سایر آیات قرآنی و با بهره‌گیری از آن‌ها باز و شکوفا می‌شود. از سخنان مفسر و قرآن‌پژوه معاصر مرحوم علامه طباطبایی(ره) چنین برمی‌آید که این روش، ویژه اهل بیت(ع) است و به جهت کارایی آن در کشف مراد خداوند، تنها روش قابل اعتماد است و خود ایشان همین روش را برگزیده و در تفسیر «المیزان» به کار بسته است. وی درباره استناد اهل بیت(ع) به این روش می‌گوید: «در درک معانی آیات باید روش اهل بیت(ع) را اتخاذ کرد و هر آیه قرآنی را با آیات دیگر قرآن توضیح داد و تفسیر کرد. کسی که با کنجکاو، در احادیث اهل بیت(ع) و در روایاتی که از مفسرین صحابه و تابعین در دست است دقت کند، تردید نمی‌کند که روش تفسیر قرآن به قرآن، روش ائمه اهل بیت(ع) است» [طباطبایی، ۱۳۴۸ش: ۸۱-۸۰].

بنابراین، تفسیر قرآن به قرآن یکی از کهن‌ترین شیوه‌های تفسیر است که سابقه آن به صدر اسلام و زمان حیات پیامبر اکرم(ص) برمی‌گردد. سپس این روش توسط اهل بیت(ع) ادامه یافت. برخی از صحابه و تابعین نیز از این روش استفاده کرده‌اند. تفسیرهای به‌جا مانده از صحابه، تابعین و دیگر مفسران، شاهد گویایی است بر این ادعا که نمونه‌ای از آن به شرح زیر است:

عبدالله بن مسعود روایت می‌کند که از پیامبر اسلام(ص) در مورد «ظلم» در آیه «... لم یلبسوا ایمانهم بظلم» [انعام/ ۸۲] سؤال شد. حضرت با استناد به آیه «ان الشرک لظلم عظیم» [لقمان/ ۱۳] پاسخ داد که مقصود از ظلم در آیه اول همان شرک است که در آیه دوم بیان شده است [طبرسی، ۱۴۰۸ق، ج ۴ و ۵: ۵۰۶].

امام باقر(ع) نیز در مورد نماز مسافر در توضیح آیه «و اذا ضربتم فی الارض فلیس علیکم جناح ان تقصروا من الصلوه...» [نساء/ ۱۰۱]، به آیه «ان الصفا و المروة من شعائر الله فمن حج البیت او اعتمر فلا جناح علیه ان یتوف بهما...» [بقره/ ۱۵۸] استدلالت کرد که با تفسیر قرآن به قرآن، و وجوب نماز قصر را اثبات کرد [حرعاملی، ج ۵: ۵۳۸].

چون
متعلق فعل
«امسحوا» به صورت جار و مجرور
آمده است، این حرف «باء» دلالت دارد
بر این که باید جزء از کل مسح شود

کرد و فرمود: آسمان روی زمین مشبک است. گفتم: چگونه چنین است؟ در صورتی که خداوند می‌فرماید: ... رفع السموات بغير عمد ترونها... [رعد/ ۲]. فرمود: آیا خداوند نمی‌گوید، بغير عمد ترونها؟ گفتم: چرا! فرمود: پس ستونی است که شما نمی‌بینید. گفتم: این چگونه است؟ حضرت دست چپ خود را مشت کرد، سپس دست راست خود را روی آن گذاشت و فرمود: این زمین است و آن آسمان [حویزی، ۱۴۱۵ق، ج ۲: ۴۸۰].

این حدیث شریف، با قانن جاذبه منطبق است که طبق آن بین ستارگان و سیارات آسمانی نیروی جاذبه وجود دارد که موجب تعادل آن‌ها شده است. این نیروی جاذبه به صورت یک ستون نادیدنی اجرام آسمانی را در خود نگه داشته است. (و تفسیر قرآن به صورت موضوعی: تفسیر موضوعی قرآن کریم روشی است که از عصر نزول آیات قرآن، توسط نبی مکرم اسلام (ص) پایه‌گذاری شد و اهل بیت (ع) پاس‌داران مکتب نبوی، با پیروی از سیره پیامبر (ص)، براساس این روش، آیات قرآن را تبیین می‌نمودند. لذا در سیره و سنت پیامبر (ص) و امامان معصوم (ع)، به روایاتی برمی‌خوریم که به شیوه موضوعی عمل کرده‌اند؛ یعنی به کمک آیات هم مضمون، مطالب مهمی را به ما ارائه داده‌اند که یک نمونه از آن‌ها را می‌آوریم:

عبدالعظیم حسنی می‌گوید: روزی عمرو بن عبید (یکی از بزرگان معتزله) به محضر امام صادق (ع) رسید و آیه «والذین یجتنبون کبائر الاثم و الفواحش...» [نجم/ ۳۲] را خواند و سکوت کرد. امام (ع) دلیل سکوت وی را پرسید، گفت: دوست دارم گناهان کبیره را از قرآن بفهمم. امام (ع) فرمود: ای عمرو! اولین گناه کبیره شرک به خداوند است؛ زیرا قرآن می‌فرماید: «و من یشرک بالله فقد حرم الله علیه الجنة؛ هر کس به خداوند شرک ورزد، قطعاً خداوند بهشت را بر او حرام می‌کند...» [مائده/ ۷۲].

دومین گناه کبیره ناامیدی از رحمت خداوند است؛ زیرا قرآن فرموده است: «... انه لا یأس من رَحْمَةِ اللَّهِ الا الْقَوْمُ الْکَافِرُونَ؛ غیر از کافران کسی از رحمت خداوند ناامید نمی‌شود» [یوسف/ ۸۷]. سپس امام (ع) ادامه داد که سومین گناه کبیره احساس

فرمود: «... و امسحوا برؤسکم و ارجلکم...» [مائده/ ۶] که به سبب وجود «باء» فهمیدیم که مسح برای بخشی از سروپاست [کلینی، ۱۳۶۲ ش، ج ۳: ۱۳۰].

در روایت مزبور، امام (ع) به این نکته اشاره کرد: چون متعلق فعل «امسحوا» به صورت جار و مجرور آمده است، این حرف «باء» دلالت دارد بر این که باید جزء از کل مسح شود. (د تفسیر قرآن با دلایل عقلی: عقل یکی از ارزشمندترین نعمت‌های الهی در وجود انسان است که در سیره معصومین (ع)، از آن به عنوان «رسول باطنی» تعبیر شده است؛ لذا آن بزرگواران از یافته‌های قطعی این نعمت به عنوان قرینه در تبیین و تفسیر آیات قرآن کمک می‌گرفتند.

عبدالله بن قیس می‌گوید: کنار امام رضا (ع) بودم و ایشان مشغول تلاوت قرآن بود تا این که به عبارت: «... بل یداه مبسوطتان...» [مائده/ ۶۴] رسید. با دستم به دست آن حضرت اشاره کردم و گفتم: آیا خداوند چنین دستی دارد؟ حضرت فرمود: عقل می‌گوید که اگر خداوند دست داشته باشد، مخلوق است [مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۴: ۴].

هم‌چنین یکی از یاران امام محمد باقر (ع) نقل می‌کند که در مورد آیه «و هو الله فی السموات و فی الارض...» [انعام/ ۳] سؤال کردم. حضرت فرمود: خداوند در همه جا است، پرسیدم: آیا با ذات خود در همه جا وجود دارد؟ امام (ع) فرمود: وای بر تو! مکان‌ها ظرف هستند و ظرف‌ها مخصوص پدیده‌هاست؛ در صورتی که خداوند از آفریده‌هایش جداست و از نظر علم، قدرت و سلطه، بر آن‌ها احاطه کامل دارد [مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۳: ۲۹].

ه) تفسیر قرآن با دستاوردهای علوم تجربی: هر چند منبع اصلی دانش اهل بیت (ع) غیبی و غیرحصولی است، ولی استناد به بعضی از روایات نشان می‌دهد که آن بزرگواران بعضی از آیات قرآن را به روش تجربی تفسیر و تبیین می‌کردند.

حسین بن خالد می‌گوید: «به امام رضا (ع) عرض کردم: طبق آیه «والسماوات ذات الحبک، قسم به آسمان که دارای راه‌های زیاد و مشبک است» [ذاریات/ ۷]، برایم توضیح بده که چگونه آسمان مشبک است. حضرت انگشتان خود را مشبک

امنیت از مکر خداوند است که قرآن می‌فرماید: «... فلا یأمن مکر الله الا القوم الخاسرون؛ جز مردم زبان‌کار کسی خود را از مکر خدا ایمن نمی‌داند» [اعراف/ ۹۹].

چهارمین گناه کبیره، آدم‌کشی به ناحق است که خداوند می‌فرماید: «و من یقتل مؤمناً متعمداً فجزاؤه جهنم خالداً فیها...؛ هر کس عمداً مؤمنی را بکشد، کیفرش دوزخ است که در آن ماندگار خواهد بود...» [نساء/ ۹۳].

پنجمین گناه کبیره شهادت دروغ و کتمان آن است؛ زیرا قرآن می‌فرماید: «و من یکتُمها فانه اثم قلبه ... و هر کس شهادت را کتمان کند، قلبش گناهکار است...» [بقره/ ۲۸۳].

تمام مواردی که امام صادق (ع) برشمردند، از گناهان کبیره است که خداوند در قرآن بیان فرموده است. امام (ع) با طرح موضوعی آیات، ضمن برشمردن برخی از گناهان کبیره، قاعده‌ای را برای شناخت گناهان بزرگ به ما ارائه داده است که به شرح زیر است: گناه کبیره، گناهی است که یا مردم را از آن نهی کرده‌اند و یا عذاب الهی هم‌چون وعده آتش در آن است.

تأویل آیات

یکی دیگر از کارکردهای سنت که در پایان این نوشتار بدان اشاره می‌شود، تأویل آیات قرآن است. این آموزه صدها چشمه زلال حکمت را جاری می‌سازد و آن را در اختیار تشنگان معارف قرآنی قرار می‌دهد تا بوستان وجود خویش را با آن سیراب سازند. گرچه عده‌ای دانش تأویل آیات قرآن را به استناد آیه «... و ما یعلم تأویله الا الله...» [آل عمران/ ۷] مختص ذات باری تعالی می‌دانند، اما دلایل روشنی وجود دارد که اهل معرفت و راسخان در علم اهل بیت (ع) هستند. روایات فراوانی در این زمینه وجود دارد که ائمه اطهار (ع) آگاهان به دانش تأویل و عالی‌ترین مصادیق صاحب‌نظران و ثابت‌قدمان در تأویل هستند.

ابوعبیده نقل می‌کند که درباره آیه «لم غلبت الروم فی ادنی الارض...» [روم/ ۳-۱]، از امام باقر (ع) سؤال کردم. آن حضرت پاسخ داد: یا اباعبیده! این آیه تأویل دارد و تأویل آن را فقط خداوند و راسخان در علم، یعنی ائمه (ع)، می‌دانند

[عیاشی، ۱۳۸۰ ق، ج ۱: ۱۷]. از این روایت استنباط می‌شود که قرآن تأویل دارد و باید تأویل آیات را در مکتب اهل بیت (ع) آموخت.

امام حسن عسگری (ع) در سیره قرآنی خود خاطر نشان نموده است که سالک کوی قرآن کسی است که تأویل آیات آن را از معصومین (ع) اخذ کند نه از افراد فاسق و مجادله‌کننده [حویزی، ۱۴۱۵ ق، ج ۱: ۳۱۵].

طبق این روایت و روایات دیگر، کسی که می‌خواهد حقیقت قرآن را بفهمد؛ باید تأویل آیات آن را از اهل بیت (ع) و فرستادگان ویژه آن بزرگواران بیاموزد؛ زیرا قرآن کریم مراتبی دارد و فهم مراتب بلند آن توسط علم حصولی قرآن‌پژوهان و صاحب‌نظران امکان‌پذیر نیست و این مراتب با فکر عادی بشر قابل درک نیست؛ مگر این که انسان خودش عروج کند و به آن موطن رفیع برسد و حقیقت قرآن را در آن مقام شامخ روحانی درک کند.

منابع

۱. قرآن کریم.
۲. نهج البلاغه. ترجمه محمد دشتی. انتشارات ائمه (ع). قم. ۱۳۷۹ ش.
۳. جوادی آملی، عبدالله. تفسیر موضوعی قرآن. نشر اسراء. ج ۱. قم. ۱۳۷۸ ش.
۴. حر عاملی، محمدبن حسن. وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه. داراحیاء التراث العربی. ج ۵، ۹، ۱۸. بیروت. ۱۴۱۴ ق.
۵. حویزی، علی بن جمعه. تفسیر نورالثقلین. نشر اسماعیلیان. ج ۱، ۲، ۳ و ۵. قم. ۱۴۱۵.
۶. طباطبایی، محمدحسین. شیعه در اسلام. دارالتبلیغ اسلامی. قم. ۱۳۴۸ ش.
۷. طباطبایی، محمدحسین. المیزان فی تفسیر القرآن. نشر اسماعیلیان. ج ۳. قم. ۱۳۷۱ ش.
۸. طبرسی، فضل‌بن حسن. مجمع‌البیان فی تفسیر القرآن. دارالمعرفه. ج ۳ و ۴. بیروت. ۱۴۰۸ ق.
۹. عیاشی، محمدبن مسعود. تفسیر عیاشی. المکتبه العلمیه الاسلامیه. ج ۱. تهران. ۱۳۸۰ ق.
۱۰. کلینی، محمد بن یعقوب. فروع کافی. انتشارات المکتبه الاسلامیه. ج ۳. قم. ۱۳۶۲ ش.
۱۱. مجلسی، محمدباقر. بحارالانوار. داراحیاء التراث العربی. ج ۲، ۳، ۴، ۹۲ و ۹۳. بیروت. ۱۴۰۳ ق.